

بانک‌های

توسعه‌ای

و تجربه

سایر کشورها

با فرآیند توسعه اقتصادی تبیین کرد.

بانک‌های توسعه‌ای برای انتخاب بهینه پروژه‌ها، تحلیل هزینه - فایده اجتماعی و اقتصادی را در ارزیابی یک پروژه در مدنظر قرار می‌دهند.

بنابراین تعریفی دیگر، بانک توسعه‌ای به بانکی اطلاق می‌شود که علاوه بر وظایف اعتباری بانکی، عهده‌دار وظایف توسعه‌ای نیز می‌باشد.

بانک‌های توسعه‌ای با مکانیزمی متفاوت از بانک‌های تجاری فعالیت می‌کنند. این بانک‌ها علاوه بر عملیات مربوط به تجهیز منابع، به شناخت و تقویت کارآفرینان، توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی از طریق وام‌دهی بلندمدت به طرح‌های دیربازده و پرخطر و ارائه مشاوره‌های تخصصی به آنان نیز می‌پردازند و همین ویژگی‌ها، آنها را از سایر موسسات اعتباری متمایز می‌کند. جدول شماره یک این تفاوت‌ها را تفکیک نموده است.

جدول شماره ۱

تفاوت‌های بانکداری تجاری و بانکداری توسعه‌ای

نوع بانک	هدف	ترکیب منابع	راهبرد	فعالیت‌ها	نیازها و پیامدها
تجاری	حداکثر سازی سود	معمولاً کوتاه مدت (کمتر از یک سال) قابل تامین از طریق بخش خصوصی	وام‌دهی به هرگونه طرح یا واحدی که زودبازده، پر بازده و کم خطر باشد.	عمدتاً تجاری، خدماتی و یا تامین سرمایه در گردش واحدهای صنعتی (کوتاه مدت)	۱- به سبب تمرکز بر فعالیت‌های کوتاه‌مدت تجاری و خدماتی، معمولاً فاقد تخصص‌های لازم برای وام‌دهی به طرح‌های بلندمدت و پرخطر است. ۲- ارتباطات مبتنی بر روابط با مشتریان (به منظور جذب سپرده‌ها)
توسعه‌ای	سودآوری در چارچوب اهداف توسعه‌ای	- معمولاً میان‌مدت و بلندمدت - متکی بر منابع ارزان قیمت	- تقویت کارآفرینان و توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی از طریق وام‌دهی بلندمدت به طرح‌های دیربازده و پرخطر - ارائه مشاوره‌های تخصصی به کارآفرینان - کمک به ایجاد فضای مناسب محیطی برای فعالیت بخش خصوصی - کمک به ایجاد بسترهای مناسب توسعه	معمولاً متمرکز بر فعالیت‌های خاص تخصصی (صنعت، کشاورزی، زیربنایی و یا صادرات)	۱- به علت درگیری با طرح‌های، تهیه طرح، ارزیابی طرح، محاسبه ریسک و اجرای طرح و نظارت بر اجرای طرح، دارای تخصص‌های حرفه‌ای در زمینه‌های اقتصادی، فنی، مالی، حقوقی و مدیریت هستند. ۲- به منظور تخصیص بهتر منابع، در وام‌دهی از ضوابط و معیارهای مشخص و معینی پیروی می‌کنند.

تعریف بانک‌های

توسعه‌ای و سیر تحول

آنها در کشورهای آسیایی

از نظر «فرهنگ لغات و راهنمای

قانون بین‌المللی» بانک توسعه‌ای، به بانکی

اطلاق می‌شود که اقدام به تامین مالی برای

توسعه اقتصادی منطقه‌ای از یک کشور، یک کشور،

منطقه‌ای از جهان و یا کل جهان می‌کند.

بانک‌های توسعه‌ای، موسساتی مالی و اعتباری هستند

که به تجهیز منابع مالی بلندمدت و کم هزینه اقدام می‌نمایند

تا آن را توسط خود، دیگران یا مشترکاً در راستای اهداف

برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور به نحو مطلوبی در

فعالیت‌های تولیدی، سرمایه‌گذاری نمایند. وظایف نقش‌ها،

و فعالیت‌های بانک‌های توسعه را اساساً می‌توان در ارتباط



ضرورت وجودی و پیشینه بانک‌های توسعه‌ای

«پیشینه تاریخی بانک‌ها و موسسات مالی توسعه‌ای به تجربه اروپای غربی، به دوره بعد از انقلاب صنعتی باز می‌گردد. کشورهای اروپایی جهت صنعتی شدن و رسیدن به کشور پیشتاز صنعتی، یعنی انگلستان، ناگزیر از انتخاب روندی سریع بودند. تحقق این امر نیز مستلزم سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در زمینه تاسیس شرکت‌های بزرگ و ایجاد امکانات زیربنایی بود. عدم توانایی نظام بانکداری تجاری موجود، ایجاد موسسات مالی جدید و گرایش به سوی روش‌های جدید سازماندهی و سرمایه‌گذاری در بانکداری را جهت پاسخگویی به نیازهای روزافزون ایجاد می‌نمود. این امر، نه تنها منجر به هدایت پس‌اندازها به سوی بخش‌های صنعتی می‌گردید، بلکه در اداره و کنترل بنگاه‌ها و سازماندهی آنها از طریق مدیریت کارآمد، نقش کارایی را ایفا می‌نمود.»

از جمله این بانک‌ها می‌توان به بانک «سوسیته ژنرال»^۲ بلژیک، موسسات مالی «کردی فونسیه»^۳ و «کردی موبیلیه»^۴ در فرانسه، اشاره نمود که نقش به‌سزایی را در صنعتی شدن این کشورها ایفا کردند. این بانک‌ها و بانک‌های جانشین و پیرو آن، همگی در واقع، نقش برنامه‌ریزان، کارآفرینان، وام‌دهندگان و اغلب نیز نقش مدیران را بازی نمودند و در کل، برخی از نیازهای اقتصادی اروپا از راه‌هایی مانند تجهیز سرمایه از سایر بانک‌ها، اشخاص و استفاده از آن سرمایه‌ها جهت خرید سهام شرکت‌ها و اعطای وام‌های بلندمدت، تشکیل شرکت‌های جدید به منظور ایجاد امکانات زیربنایی، تجهیز معادن و احداث صنایع و ... تامین نمودند»^۵.

«بعد از جنگ جهانی دوم، بانک‌های توسعه‌ای متعددی در اروپا و کشورهای سایر قاره‌ها، عمدتاً با حمایت‌های فراوان بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی فعلی) پدید آمدند. هدف بانک جهانی، هم‌ساز کردن کشورهای در حال توسعه با بازار جهانی سرمایه‌داری، تحت عنوان کمک به توسعه این کشورها

بود. هدف این بانک‌ها در اروپا، عمدتاً معطوف به بازسازی ویرانی‌های جنگ و تجدید ساختار صنایع بود. این هدف در کشورهای سایر قاره‌ها بیشتر متوجه توسعه اقتصادی آنها بود.

دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شاهد شکل‌گیری بانک‌های توسعه‌ای متعددی در جهان بود. این دوره عصر طلایی بانک‌های توسعه‌ای نام گرفت، چرا که آنها توانستند منابع بلندمدت هنگفتی را برای تامین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری و عمدتاً در کشورهای در حال توسعه، تامین و تخصیص نمایند.

اواخر قرن بیستم، مصادف با آغاز تحولاتی در بانکداری توسعه‌ای بود. تحولات عمده اقتصاد بین‌الملل نیز در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ رخ داد، که شامل حرکت به سوی تجارت جهانی، گرایش به سوی اقتصادهای باز و تجربه تلخ برخی از کشورها در بانکداری توسعه‌ای به دلیل برقراری فضای جدید اقتصاد بین‌الملل که منجر به بروز تحولاتی در بسیاری از بانک‌های توسعه‌ای گردید - بوده است. از جمله تحولات پدید آمده در بانک‌های توسعه‌ای در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- انحلال و ورشکستگی برخی از بانک‌های توسعه‌ای در اثر مشکلات مالی

- تغییر ساختار برخی از بانک‌های توسعه‌ای و ادغام آنها در دیگر موسسات

- تداوم فعالیت برخی از بانک‌های توسعه‌ای با مشکلات ساختاری

اما برخی از بانک‌های توسعه‌ای با درک شرایط زمان و اصلاح راهبردها و تعیین نقش‌های جدید و معقول، توانستند با موفقیت، خود را با مقتضیات جدید تطبیق دهند، زیرا این بانک‌ها به خوبی دریافته‌اند که:

وظیفه بانک‌های توسعه‌ای، فقط تامین مالی طرح‌ها نیست، بلکه نقشی هدایت‌گر در پاسخگویی به نیازهای مالی اقتصاد در حال توسعه دارند. هم‌چنین تجهیز منابع

◆ بانک‌های توسعه‌ای، علاوه بر عملیات مربوط به تجهیز منابع، به شناخت و تقویت کارآفرینان، توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی از طریق وام‌دهی بلندمدت به طرح‌های دیربازده و پرخطر و آرایه مشاوره‌های تخصصی به آنان نیز می‌پردازند.



با اتکای خود (از طریق بازار) و بر کنار از یارانه‌ها، برای بقای آنها حیاتی است»^۶.

اهداف و وظایف بانک‌های توسعه‌ای

سمت و سوی فعالیت‌های بانک‌های توسعه‌ای، با توجه به استراتژی توسعه تعیین می‌گردد، ولی به طور کلی، موسسات مالی توسعه‌ای با هدف اصلی تسهیل و تسریع روند توسعه اقتصادی و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها در امر توسعه، در کشورهای در حال توسعه، تاسیس می‌شوند. این موسسات به طور کلی انجام دو وظیفه را بر عهده دارند^۷:

۱- وظایف مالی، که عمدتاً دلالت بر نقش واسطه‌گری مالی این موسسات تامین و تخصیص وجوه دارد.

۲- وظایف غیر مالی، که شامل کلیه اموری است که این موسسات عمدتاً به منظور تشویق و توسعه بخش خصوصی، به ویژه تقویت کارآفرینان انجام می‌دهند.

از آنجا که بنابه دلایل اقتصادی-اجتماعی و تاریخی، بخش خصوصی کشورهای در حال توسعه، در شروع روند توسعه اقتصادی، ضعیف و نیروهای بازار در تخصیص منابع، ناتوانند، لذا موسسات مالی توسعه‌ای از جمله نهادهایی هستند که می‌کوشند تا ویژگی‌های کارآفرینی را در بخش خصوصی تقویت کنند و سبب افزایش سهم فعالیت این بخش اقتصاد، در راستای اهداف توسعه‌ای شوند.

از جمله این وظایف توسعه‌ای، که به نوعی از وظایف مالی آنها مجزا نیست، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری از جنبه اقتصادی، فنی، مدیریتی، مالی و حقوقی و نظارت بر اجرای طرح‌های مصوب.

۲- ارائه خدمات مشاوره مدیریتی، اقتصادی، فنی، مالی و حقوقی به مجریان طرح‌ها

۳- کمک به شکل‌گیری کانون‌های تحقیق و توسعه (R&D) در بنگاه‌ها، از جمله واحدهای تحقیقات بازاریابی.

۴- کمک به پیروی از استانداردهای فنی، مالی، بازاریابی و مدیریت نیروی انسانی.

۵- انجام پژوهش‌های اقتصادی، مالی و فنی در زمینه‌های مرتبط با وظایف و فعالیت‌های موسسات مالی توسعه‌ای

۶- کمک به ایجاد یا تقویت نهادهای مورد نیاز جهت توسعه بخش خصوصی مانند بورس و سایر نهادهای بازار سرمایه، موسسات بیمه، شرکت‌های خدمات مدیریت و مهندسان مشاور، شرکت‌های طراحی مهندسی، سندیکاها و ...

۷- مشارکت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های توسعه ملی و منطقه‌ای.

۸- هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت اولویت‌های استراتژی توسعه صنعتی یا سیاست‌های صنعتی.

۹- مشارکت در قانون‌گذاری‌ها و ...

شایان ذکر است که نظام تامین و تخصیص منابع،

◆ ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری از جنبه اقتصادی، فنی، مدیریتی، مالی و حقوقی و نظارت بر اجرای طرح‌های مصوب، یکی از وظایف بانک‌های توسعه‌ای است.

مهمترین محور در تعیین وظایف و حدود و ثغور فعالیت بانک‌های توسعه‌ای، تخصیصی بوده و روند تطور عملکرد اصلی بانک‌های توسعه‌ای نیز در ایفای نقش به عنوان بازوی اجرایی دولت تا نقش‌آفرینی به عنوان نهادی موثر در بازار بوده است.

امروزه با گذشت زمان، بانک‌های توسعه‌ای دریافته‌اند که فعالیت آنها، اتخاذ موضعی هدایت‌گر در پاسخگویی به نیازهای مالی اقتصاد در حال توسعه و ماورای تامین مالی طرح‌ها است و پایداری خودگردانی مالی با استفاده از بازار و بدون یارانه، برای بقای آنها اهمیت حیاتی دارد. در این راستا این بانک‌ها می‌بایست با برخورداری از پویایی لازم، از نظر تجهیز منابع با مدیریت مستقل امکان بقا داشته باشند و از قابلیت انعطاف نسبت به تغییر شرایط تجاری برخوردار باشند و از همه مهمتر، باید به صورت حرفه‌ای به عنوان یک بنگاه تجاری خودکفا مدیریت شوند^۸.

بررسی تجارب بانک‌های توسعه‌ای با تاکید بر کشورهای آسیایی

هر موسسه مالی توسعه‌ای، به طور نزدیکی با برنامه توسعه اقتصاد ملی کشور خود مرتبط است. کشورهای آسیای شرقی برنامه‌های توسعه میان‌مدت خود را در دهه ۱۹۶۰ آغاز کردند. سیاست‌های دولت‌ها بر این پایه بود که منابع و سرمایه‌های کمیاب می‌بایست جهت دستیابی به توسعه اقتصادی در مناطق استراتژیک و با هدایت این منابع توسط دولت‌ها متمرکز شوند.

در دهه ۱۹۶۰ در کشورهای صنعتی، نیاز به سرمایه‌های میان‌مدت و بلندمدت احساس می‌شد. بانک‌های تجاری هم ظرفیت پذیرش ریسک این سرمایه‌های بلندمدت را نداشتند و بازار سرمایه نیز هنوز توسعه پیدا نکرده بود. بانک‌های تجاری در کشورهای آسیای شرقی، به عنوان بانک‌های مالی تجاری شکل گرفتند و تنها با تامین سرمایه‌های کوتاه‌مدت برای فعالیت‌های تجاری، به کارشان ادامه دادند. تحت این شرایط، بسیاری از موسسات مالی توسعه‌ای ماموریت یافتند تا با توسعه یک بازار سرمایه داخلی، به عرضه سرمایه‌های میان‌مدت و بلندمدت بپردازند. برخی از این موسسات توسعه‌ای، وظیفه عملکرد مالی نهادهای قبلی را تقبل کردند. گروهی دیگر نیز به محورسازی مجدد و برخی به تجدید

جدول شماره ۲
ترکیب منابع بانک‌های توسعه‌ای چند کشور در حال توسعه
در سال ۲۰۰۱ میلادی (۱۳۸۰ شمسی)

ارقام به درصد است

شرح	بانک توسعه‌ای آسیایی	بانک توسعه‌ای آفریقا	بانک توسعه‌ای سریلانکا	بانک توسعه‌ای صنایع کوچک هند
سرمایه و اندوخته‌ها	۲۴/۲	۳۶/۲	۱۵/۱	۲۳/۸
بدهی‌های جاری	-	-	-	۱۵/۲
حساب‌های پرداختی و مبالغ پرداختی برای سواب (SWAP)	۱۵/۱	۵/۱	۱/۵	-
استقراض	۵۶/۳	۵۸/۷	۷۸/۲	۴۰
گواهی سپرده و اوراق قرضه	-	-	-	۱۹/۳
سایر	۶/۴	-	۵/۲	۱/۷
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ساختار پرداختی‌ها.

آن است که به طور متوسط سهم سرمایه و اندوخته‌ها نسبت به کل منابع کمتر از ۲۵ درصد می‌باشد. به بیان دیگر ۷۵ درصد منابع مورد نیاز بانک‌های یاد شده، از محل غیر از حقوق صاحبان سهام تامین شده است.

همچنین عمده منابع مورد نیاز این بانک‌ها از محل بدهی‌ها تامین شده و به طور متوسط بیش از ۵۸ درصد منابع از این طریق جذب گردیده است که بخش قابل توجهی از آن مربوط به منابعی است که از طرف دولت‌ها به صورت اعتبارات در اختیار بانک‌های توسعه‌ای قرار گرفته است.

از نکات قابل توجه در ساختار منابع مالی بانک‌های مورد اشاره، استفاده از ابزارهای مهندسی مالی، شامل گواهی سپرده، اوراق قرضه منتشره، ابزارهای مشتقه و ... می‌باشد و جالب آنکه بانک‌های مورد بررسی همگی در کشورهای در حال توسعه (هند، سریلانکا، آفریقا و ...) مستقر هستند، لیکن متأسفانه در کشور ما هنوز امکان استفاده از این نوع ابزارهای مالی فراهم نشده است.

ماخذ: بانک صنعت و معدن، برنامه راهبردی زیر نویس‌ها:

1- International Law Dictionary and Directory

2- Societe Generale Pour Favoriser L'Industrie National

3- Credit Foncier

4- Credit Mobilier

۵- محمد ایرانمنش، نقش بانک‌های توسعه‌ای در فرایند توسعه اقتصادی، همراه با مروری بر عملکرد بانک صنعت و معدن در گذشته و جایگاه آن در آینده، فروردین ۷۸.

۶- همان منبع

۷- همان منبع

۸- بانکداری توسعه‌ای در هزاره جدید، ترجمه احمدرضا خاکزاد، شهریور ۱۳۸۱

9- Policy - Based Finance

10- Development Financial Institutions

11- Bank Pembangunan & Infrastructure Malaysia Berhad

«تامین مالی بر مبنای سیاست‌های خاص»^۹ در مراحل متفاوت توسعه کشورهای آسیای شرقی در حجم‌های مختلف و با نتایج متفاوتی انجام گرفته است. موسسات مالی توسعه‌ای (DFIs)^{۱۰} در این کشورها به عنوان عامل اصلی صنعتی کردن اقتصاد ملی بعد از استقلال از رژیم‌های مستعمراتی تاسیس شدند. سپس صنعتی شدن در هر کشور با موفقیت انجام شد و موسسات مالی توسعه‌ای، عموماً به متنوع‌سازی فعالیت‌هایشان، مانند بانکداری تجاری یا تبدیل شدن به بانک‌های تجاری روی آوردند. این موسسات اغلب روی «تامین مالی بر مبنای سیاست‌های خاص» متمرکز شده بودند. بانک توسعه‌ای دولتی چین که در سال ۱۹۹۴ تاسیس شد، کارکرد «تامین مالی بر مبنای سیاست‌های خاص» را از بانکداری تجاری جدا کرد و بانک توسعه‌ای ژاپن (JDB) این کارکرد را بدون پرداخت به بانکداری تجاری ملاک قرار داد.

گرچه مسیرهای انتخابی این موسسات با یکدیگر متفاوت بود، لکن بیشتر آنها به انتخاب خود، یا به صورت وکالتی، عهده‌دار تامین وام‌های بلندمدت جهت توسعه اجتماعی و صنعتی کشور بودند.

نیک ابراهیم عبدالله، رییس اجرایی BPMB^{۱۱} پیش‌نیازهای اصلی برای اثربخشی موسسات مالی توسعه‌ای و شروط موفقیت آنها را که اغلب در کنترل دولت است، در موارد زیر خلاصه نموده است:

۱- وجود سیاست‌های توسعه‌ای واقع‌بینانه میان مدت و بلندمدت

۲- انحرفات حداقل از عرضه و تقاضای بازار

۳- ثبات سیاسی و اقتصادی

۴- حمایت از تامین و جوه توافقی برای موسسات مالی توسعه‌ای.

۵- استقلال موسسات مالی توسعه‌ای

۶- مسوولیت‌پذیری صحیح توسط موسسات مالی توسعه‌ای.

ترکیب منابع چند بانک توسعه‌ای مورد بررسی نشانگر

◆ **وظایف، نقش‌ها و فعالیت‌های بانک‌های توسعه‌ای را اساساً می‌توان در ارتباط با فرایند توسعه اقتصادی تبیین کرد.**